



الشعر ديوان العرب/قاسم مزرعه فرد

تاريخ ادبيات عرب دانشی است که از اوضاع و احوال اين زبان و از نثر و نظم آن در دوره های گوناگون بحث می کند و از معروف ترین کتاب هایی که به تاريخ ادبی قوم عرب پرداخته اند و در ایران به فارسی ترجمه شده اند. می توان کتاب «کارل بروکلیمان» (مجموعه چند جلدی این کتاب در کتابخانه شهید چمران سوسنگرد موجود است) و کتاب تاريخ ادبی عربی تالیف «حنا الفاخوری» را نام ببریم. و اما ادبیات که به معنای عام خود مجموعه تظاهرات هنری هر قوم است که در قالب کلام ریخته می شود و خود کلام نیز بر دو قسم است: نثر و نظم شعر نوع دوم کلام است. ترکیب کلمه ها در شعر به نحوی است

که حس خاصی را ایجاد می کند و آن را از نثر متمایز می سازد. وجه اصلی این تمایز از نظر ظاهری موزون و مقفی (قافیه دار) بودن آن است و از نظر درونی خیال انگیزی آن. آن چه در شعر مهم است خیال است زیرا که خیال منشأ آفرینش تمامی هنرها و از جمله شعر است. فطرت قوم عرب نیز به دلیل وضع و محیط زندگی شان بر تربیت خیال و شعر سرایی سرشته است. لذا قوه خیال او از این نعمت ها اصل و منبعی دارد که چشمه آن پایان نمی یابد و به سبب بر خورداری از زبانی غنی و فصاحت گفتار، توانا ترین بازو و بزرگ ترین کمک و یاری را داشته است و به همین سبب است که می بینیم برجسته ترین شاعران جهان برخاسته از همین قوم هستند. در رابطه با همین موضوع شاعر معروف سوری «نزار قبانی» که شاید به علت جاودانه شدن اشعارش توسط خوانندگانی همچون ام کلثوم ، عبدالحلیم حافظ و کاظم الساهر مشهورترین شاعر در جهان عرب و در خوزستان است بر این عقیده است که شاعر بودن در جهان عرب معجزه نیست، بلکه شاعر نبودن معجزه است. او در کتاب «قصتی مع الشعر» که بعد از انقلاب توسط غلامحسین یوسفی و دکتر بکار تحت عنوان « داستان من و شعرهایم» در ایران به فارسی ترجمه شده است می گوید که بر خلاف کودکان جهان که دهانشان بوی شیر می دهند، دهان کودک عرب در هنگام تولد بوی شعر می دهد ملا فاضل سکرانی شاعر نامدار خوزستانی در قصیده ای این مورد را به شکل زیبایی این چنین به نظم در آورده است :

الشعر يهتز بيدرقه التهز كاروك الرضيع خل تغذی الام طفلها الشعر لتغذی حليب
نزار قبانی درباره موقعیت شعر در جهان عرب می گوید: رگ های هر شهروند عرب را که

بشکافی مایع سحر انگیزی از زیر پوستش جاری می شود. این مایع نفت یا مشتقات نفت نیست، بلکه مایع سبز رنگی است با شعله ای طلایی و همیشه فروز ان که شعر نام دارد. این شعر است که ذخیره تمدن ماست نه نفت، این ذخیره کاهش ناپذیر است و ته نمی کشد. نه سازمان اوپک بر آن چیرگی دارد و نه کشورهای بزرگ قادر به احتکار و فروشش هستند. زیرا از ژرفنای روح انسان سرچشمه می گیرد که هیچ کس را بر آن سلطه ای نیست، ملت عرب محکوم به شعر است. همان گونه که هلند محکوم به دریاست و استرالیا به گندم، کوبا به شکر، سریلانکا به چای، آفریقا به پلنگان و زرافه ها و اسپانیا به چشمان سیاه. همه کودکان عرب تا اطلاع ثانوی شاعر زاده می شوند. همه کودکان عرب برای شاعر شدن برنامه می ریزند تا این که شرایط اجتماعی، آنان را مجبور می کند از گروه خود کناره بگیرند و برخلاف میلشان، پزشک و مهندس و پیمانکار شوند» پس بیهوده نیست که دکتر آذرتاش آذرنوش، ادیب و ناقد برجسته ایرانی می گوید: «گاه احساس می کنم که انگار همه عرب ها شاعران ما درزادند. زیرا که شعرای عرب بیش از آنند که به تعدادشان احاطه شود» از میان این شاعران نا شناخته های آنان بیش از شاعرانی است که شناخته شده اند. شعر کهن عرب را افرادی خاص، با ویژگی های شگفت گردآوری کرده اند. این شخصیت ها را «رواة» (جمع راوی) می خوانند و ایشان مردانی بودند که تخصصشان، شنیدن و حفظ اشعار شاعران یا شاعری خاص بود. درباره حافظه این راویان داستان های عجیبی نقل کرده اند. یکی از این راویان، یعنی «حمادراویه» سخت معروف است. وی به خود می بالید که قادر است به ازای هر یک از حروف الفبا، صد قصیده با قافیه ای یکسان از حفظ بخواند. در زمان های دور شاعران

در میان عرب ها مقام و منزلتی بزرگ و فرمانی نافذ و قدرتی غالب داشتند چنانچه شاعر در زمان قدیم هم کاهن و رهبر و سخنگوی قوم بود و هم مورخ و عالم ایشان. اینکه شاعر را مورخ و عالم قبیله به شمار می آوریم از این روست که وی در روایات و اخبار قدیم قبیله کنجکاوی کرده و از اعمال برجسته آن با خبر است. تا جایی که به قول «حنالفاخوری» در مطاوی اشعار جاهلی اطلاعاتی از ادیان و مذاهب و علوم و معارف و صناعات این قوم به دست می آید. یا به عنوان مثال اشعار حسان بن ثابت انصاری معروف به شاعر النبی گنجینه ای تاریخی در ادب اسلامی است. زیرا بسیاری از حوادث، جنگ ها و نام افراد مختلفی را که در نبردها شاخص بوده اند در اشعار او می توان یافت. در عرصه پیکار اثر زبان شاعر از شجاعت افراد قبیله کمتر نبود. در سیره پیغمبر (ص) آمده است که حضرت از شاعران مدینه خواست تا با هجو قریش او را یاری کنند و در روایت است که چون حسان بن ثابت شروع به هجو قریشیان کرد حضرت به او فرمود: شعر تو از پیکان تیر بر آنان کارگر تر است» به هنگام صلح او می توانست با یک گفتار آتشین آرامش عمومی را به هم بزن یا به قول نولد که «شاعر پیشوای قبیله در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود. همان طور که در روزگار ما نیز سخنرانی یک خطیب می تواند در کشاکش های سیاسی موجب تحریک اجتماعات گردد» در آن روزگار نقش اجتماعی عمده ای به عهده شاعر بود. قدرت شاعر بر قدرت خطیب فزونی داشت. زیرا شعر با سرعت بیشتری در خاطره ها نقش می بندد و زود از خیمه گاهی به خیمه گاهی دیگر و از چاه آبی به چاه آبی دیگر انتشار می یابد. از طرف دیگر نوعی ویژگی ما فوق طبیعی با نام شاعر ملازم بود. می پنداشتند که موجودی نامرئی و نیرومند که همان جن

باشد به وی الهام می بخشد یا حتی درون او حلول می کند. هر شاعر جن خاص خود را داشت. سخنان شاعر خاصه هجاهای او از قدرتی مافوق طبیعی برخوردار بود و گاه قبایل، شاعران اسیر را دهان بند می زدند تا شاید از قدرت زیان آور سخنانشان رهایی یابند. بدین قرار نقش شاعر ممکن بود بسیار قاطع تر از نقش خطیب باشد، اما اگر کسی هم خطیب بود و هم شاعر (شاعر خطیب) از امتیازات فراوانی برخوردار می شد. نفوذ چنین شخصی ممکن بود نفوذ رئیس قبیله را نیز تحت الشعاع قرار دهد. به حق باید گفت که شعر منبع بسیار مهمی است که همه جنبه های زندگی مردم عرب پیش از اسلام را روشن می کند و گفتار معروف از اینجاست که گوید: « الشعر دیوان العرب » بنابراین شعر مهم ترین هنر عرب است و او تمامی استعدادها و نبوغ خود را در شعر به کار برده است. شعر عرب همان قدر مهم است که پیکر تراشی یونان و روم قدیم و تصویرگری اروپاییان امروز. همگان می دانیم که در زمان های قدیم قبیله های عرب با پیدایش هر شاعر قبیله جشن می گرفتند. درست همان گونه که امروز اروپاییان تعیین پاپ یا تاج گذاری یک امپراطور یا انتخاب ملکه زیبای جهان یا فرستادن یک فضا نورد به کره ماه را جشن می گیرند. در مکه بازاری وجود داشت که به عکاظ معروف بود. در این بازار افزون بر کالاهای تجاری ، شاعران بزرگ اشعارشان را می خواندند و نقادانی چون نابغه ذبیانی به نقد اشعار می نشستند. هر قصیده ای که از سوی نقادان مورد تأیید قرار می گرفت به آب طلا نوشته شده و در خانه کعبه آویخته می شد. این قصاید را معلقات می گفتند. مشهورترین شاعرانی که معلقه داشتند، ده تن بودند و از آنان میان هفت تن: « امرؤ القیس، طرفه بن عبد، حارث بن حلزه ، عمرو بن کلثوم، زهیر بن ابی سلمی ، عنتره بن شداد و

لبید بن ربیعہ) از همه مشهورترند. ارزش معنوی جایزه این مهرجان شعری (جشنواره) تا بدان جاست که مورخ بزرگی همچون « فیلیپ حتی» آن را با جایزه ادبی نوبل مقایسه می کند. پیامبر (ص) نیز علاقه خاصی به شعر داشته و در حدیثی می فرماید: « الشعراء امراء الکلام) « شاعران فرمانروایان سخنوری هستند) و شعر نابغه جعدی و کعب بن زهیر صاحب قصیده مشهور و پنجاه و هشت بیتی « بانث سعاد» را ستوده اند. از آن جایی که با الهام از این قصیده خط شعری جدیدی در تاریخ ادبیات در مدح رسول اکرم (ص) آغاز و تا به امروز ادامه دارد، بد نیست که کمی به آن بپردازیم. کعب بن زهیر فرزند زهیر بن ابی سلمی صاحب یکی از هفت قصیده معروف به المعلقات سبع است که در بالا به توضیح درباره آن ها پرداختیم. کعب بن زهیر پس از ظهور اسلام به هجو پیغمبری (ص) و دشمنی با اسلام پرداخت. به همین سبب از سوی پیغمبر مورد تهدید و مهدور الدم شناخته شد. اما سرانجام توبه کرد و چون در برابر حضرت قصیده معروف «بانث سعاد» در اعتذار و مدح پیامبر (ص) را خواند او را عفو کرده و بخشید و امانش داد و هنگامی که به بیت زیبای:

انبت أن رسول الله اوعدنی و العفو عند رسول الله مأمول

یعنی (:به من خبر رسید که حضرت رسول مرا مهدور الدم نموده اما می دانم که عفو و بخشش در نزد رسول اکرم(ص) معمول است) می رسد، پیامبر برده یا عبای مبارکش را بر شانه کعب می افکنند و این برده(عبا) همچنان در خاندان او دست به دست می گشت تا آن گاه که معاویه آن را خرید و از این راه به دست خلفای اموی و عباسی رسید تا بالاخره نصیب پادشاهان عثمانی گردید. به همین این قصیده به «برده» مشهور گشت. بعد از آن شعرای دیگری نیز «بردیات» زیادی با تأثیر پذیری از این قصیده کعب بن زهیر سروده

اند. از جمله قصیده البرده «متعلق به شرف الدین محمد بن سعید بوصیری شاعر قرن هفتم هجری که با مطلع زیر آغاز می شود :

امن تذکر جیران بذی سلم مزجت دمعا جری من مقلة بدم

و امیر الشعراء « احمد شوقی » با مطلع :

ریم علی القاع بین البان و العلم حل سفک دمی فی الأشهر الحرم

و همچنین برده شاعر عرب خوزستانی دکتر عباس پور عباسی با مطلع :

خل سعاد و بین البان و الحلم و انظر الینا تری صرعی بداسقم

که دیگر شاعر خوزستانی عدنان غزی در جواب استادشان گفته اند :

دعنا نموت بذکر البان و العلم فالموت حبا قدر بکی اولی من الهم

همچنین باید گفت که امام علی (ع) نیز شاعر بوده اند و حتی دیوان شعری را نیز به وی منسوب کرده اند و در جواب سؤالی مبنی بر اینکه بهترین شاعر عرب کیست، شاعر معلقه معروف « قفا نبک » یعنی « امرؤ القیس » را نام می بردند. (رجوع شود به کتاب سیری در نهج البلاغه ، تألیف دکتر مطهری) البته بعدها شاعران بزرگ تری همچون المتنبی « در جهان عرب ظهور کردند که تقریباً اکثر ناقدان و محققان ادبیات عرب و حتی بسیاری از شعرا مانند « ابوالعلا و المعری « فیلسوف و شاعر نابینای عرب ، از ابو طیب احمد بن حسین معروف به « المتنبی » به عنوان بهترین و بزرگترین شاعر تاریخ عرب یاد کرده اند. او در شعر کم نمی آورد و برکلام تواناست و با تکبر و غرور خاصی چنین می سراید :

انام ملء جفونی عن شواردها و یسهر الخلق جراها و یختصم

یعنی من به راحتی شب را می خوابم در حالی که بکرترین مضامین و واژگان شعری جلو

چشم می باشد و به سهولت می توانم شعر بگویم اما شاعران دیگر برای سرودن شعر شب را بیدار می مانند و با کلمات و مضامین می جنگند و توان رقابت با شعر من را ندارند .

ناگفته نماید که سعدی شاعر بزرگ ایرانی بسیاری از اشعار خود را با الهام پذیری و تقلید از اشعار المتنبی سروده است و حتی چند سال پیش کتابی تحت عنوان «سعدی و المتنبی» که به این موضوع می پرداخت در ایران منتشر شد. در نتیجه سعدی با انصاف هرچه تمامتر به برتری شعر عرب اقرار کرده و می گوید :

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری تو چه آدمی که از عشق بی خبری
اشتر به شعر عرب در حال است و طرب گر ذوق نیست ترا که از طبع جانوری
بدنیست بدانید که حتی معروف ترین شعر سعدی: (بنی آدم اعضای یکدیگرند....) نیز دقیقاً مأخوذ و ترجمه ای از حدیث شریف پیغمبر اکرم(ص) است که می فرمایند «مثل المومنین فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد الواحد إذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الاعضاء بالحمی و السهر»

باید گفت که شعر از زمان های بسیار دور در میان عرب رایج بوده چنانچه قدیمی ترین قطعاتی که از شعر عرب در دست است مربوط به سال 130 پیش از هجرت است که به مناسبت جنگ بسوس ساخته شده و متعلق به مهلهل به ربیعه است ولی این قصاید و موازینی که در آن رعایت شده این فکر را به خاطر می آورد که به ناچار باید روزگاری دراز گذشته باشد تا در اثنای آن هنر بیان و مقدمات آن از جمله تسلط بر کلمات به آن حدکمال رسیده باشد. عنتره بن شداد العبسی یکی از معروفترین شعرای قبل از اسلام در

مصراع اول معلقه ی مشهور خود به این مسئله اشاره کرده و می گوید: «هل غادر الشعراء من متردم (یعنی آیا نغمه ای هست که شاعران پیش از من سروده اند.) البته در این میان هرگز نباید از شاعران خوب عرب خوزستانی غافل ماند. در واقع بهترین منبع برای شناخت شاعران عرب خوزستانی کتاب «سیری در تاریخ ادبیات عرب خوزستان» تألیف دکتر عباس پورعباسی است. اگر بخواهیم شعر معاصر عرب خوزستان را به دو بخش شعبی و فصیح تقسیم کنیم باید گفت که نویسندگان این کتاب یعنی دکتر عباسی به اتفاق آرا برترین و بزرگ ترین شاعر حال حاضر نوع فصیح است که تاکنون دو کتاب شعری زیبا به نام های «هذا هو الحب» و «قافله الحب و الموت» از وی منتشر شده اند. کتاب اخیر که نوعی حماسه سرایی تاریخی است به شرح ماجرای تبعید سران عشایر بنی طرف در سال 1304 شمسی می پردازد که در پی مقاومت هایی که این عشیره علیه بی حجابی از خود نشان دادند به دستور رضا شاه پهلوی به شهرهای تهران، گرگان و دیگر شهرهای شمالی ایران تبعید شدند. از آن جایی که این تبعید شدگان همراه با زنان و بچه ها و سالخورده ها از بستان تا شهر مالایر با پای پیاده حرکت داده شدند. تعداد زیادی از آنها در شهر بروجرد، جان باختند و بدون غسل و کفن در چاله ای که همان جا حفر می کردند به خاک سپرده شدند. شاعر این حادثه و تراژدی انسانی را به شکلی غم انگیز و زیبا در قالب شعری بلند مجسم کرده است. این شاعر در سرودن شعر فارسی و شعر محلی (الشعبی) نیز دست درازی دارد. از دیگر شاعران معاصر معروف سبک فصیح می توان حاج جبار عصمان الطایی و فقید مرحوم آیت ا... شیخ محمد الکریمی را نام برد. شخصیت اخیر از چهره های مطرح و شناخته شده در جهان تشیع است که دیوان و شعر معروف و بلندی در

جواب قصیده مشهور «الطلاسم» متعلق به شاعر بلند آوازه لبنانی «ایلیا ابوماضی» سروده اند. اما در میان شاعران معاصر سبک الشعبی چهره هایی مانند سعید جرفی (صاحب دو اثر «گمره و گمر» و «شوگ الریف»، عادل حیدری (صاحب دیوان دیره هلی)، ایفیر البحیر، حمد العطیوی و ... مطرح اند. شاید برجسته ترین نماینده این سبک «ملا فاضل سکرانی» است که در سرودن «ابوذیه» و به اعتراف عریان سید خلف (شاعر معروف عراقی) سرآمد شاعران عرب محسوب می شود و بیش از یک دهه است که دیوان شعری او معروف به (دیوان السکرانی) وارد بازار ادب شده است و بنا به قول مشهور «الولد علی سرأبیه» فرزندان وی نیز شاعرانی پرکار هستند. مهدی سکرانی سبک جدیدی در شعر شعبی موسوم به «طورالمهداوی» را ابداع کرد و عادل سکرانی نیز در سرودن اشعار فلسفی و عرفانی تبحر خاصی دارد. اوج رونق شعری و شکوفایی ادبی عرب خوزستان در دوره حکومت مشعشعیان پی ریزی شد و اکثر حاکمان این سلسله شاعرانی بزرگ در دوره خودشان محسوب می شدند. از آن جمله حاکم منطقه علی بن خلف المشعشعی (1060-1088 ه)، عبدعلی ناصر بن رحمه الحویزی و شاعر در باری معروف این دوره سید شهاب الدین معروف به ابن معتوق که دیوان شعری وی تاکنون چندین بار در کشورهای مصر، سوریه و لبنان تجدید چاپ شده است. اما بر همگان معلوم است که معروف ترین و بزرگ ترین شاعر عرب خوزستانی در طول تاریخ حسن بن هانی معروف به ابی نواس الاهوازی شاعر دوره عصر عباسی است. او در اهواز به دنیا آمد و در بصره پرورش یافت. خمریات ابونواس از زیبایی و قدرت فوق العاده ای در توصیف برخوردار است. به یقین می توان گفت که امروزه در همه کشورهای عربی به راحتی می توان

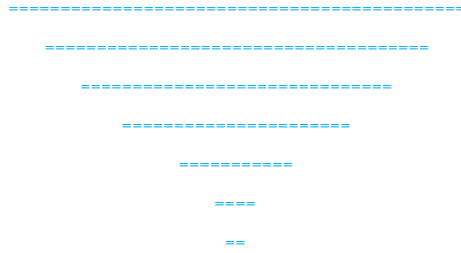
خیابان، سالن یا جشنواره ای را به نام او پیدا کنیم. و حتی یکی از تالارهای بزرگ شهر لندن نیز به نام اوست. این در حالی است که شاعر در زادگاه خود غریبه ای بیش نیست و هیچ مکان یا مناسبتی در خوزستان سراغ نداریم که به نام وی ثبت شده باشد. در هر حال اگر بخواهیم به تفصیل به شعر عرب خوزستان پردازیم به قول سعدی « مثنوی صد من کاغذ» می شود. ناگزیر این مطلب را با شعری از ملافاضل سکرانی که در این رابطه با موضوع همین مقاله (شعر و شاعری) است به پایان می رسانیم:

قصيدة الشعر

يصعب على الناس يصعب موت كل شاعر لبيب
واصعب من الصعب موت العبقري الواعي الاديب
يصعب على الناس فكد الشعر و لينظم اشعار
الشعر يرفع راس باس الشرف و يزيد الفخار
الشعر راده ابكل إرادة الحاز كل معنى الشعور
الشعر روح من السعادة و عطر للشمه و بخور
الشعر وابل مطرو سمي و هطل بيام الربيع
الشعر اسمك يخي و اسمي اليظل ثابت ما يضيع
الشعر ذوق اهلي وبلادي ورايه وحقايه وخبير
الشعر سيل الجره بوادي الما بطراد انعبر
الشعر اغلي الجنس جنسه الشعر ديباجة فخر/الشعر لذة الشعر ونسه الشعر بالنادى ازدهر
الشعر اوزان و قوافي الشعر ميزان الكلام

الشعر ماهو ریح سافی الینگل مذمة ملام
الشعر تحویه بمشقه و فکر رقاد و وسیع
الشعر نظمه ایرید دقه یحققه و عی المذیع
الشعر تهتم بیه ربه و یهتم موت الیفتهم
و العلم محمود طبعه و یغث فگد اهل العلم
الشاعر من یموت خله اتصیر بر بوع الاشعار
الماجد من یفوت وجده یخلف بكل سلف نار

منبع مقاله: هفته نامه رضوان



شهر من، من به تو می اندیشم، نه به تنهایی خویش
منتظر شما بر روی وبلاگ سوسنگرد من هستیم

www.susangerdeman.tk
www.sosangerdeman.blogfa.com